



حضرت امام سپس به فرضی اشاره می کنند که وجوب نهی از منکر را شرعی به حساب آوریم و می نویسند:

«و لو بنینا علی أنّ وجوب النهی عن المنکر شرعی فلا ینبغی الإشکال فی شمول الأدلّة للدفع ایضاً لو لم نقل بأنّ الواجب هو الدفع، بل یرجع الرفع إلیه حقیقة، فإنّ النهی عبارة عن الزجر عن إتیان المنکر، و هو لا یتعلّق بالموجود إلّا باعتبار ما لم یوجد، فإنّ الزجر عن إيجاد الموجود محال عقلاً و عرفاً، فإطلاق أدلّة النهی عن المنکر شامل للزجر عن أصل التحقّق و استمراره، فلو علم من أحد إرادة إيجاد الحرام و همّ به و اشتغل بمقدّماته مثلاً، وجب نهیه عنه، فإنّ المراد بالمنکر الذی یرجب النهی عنه طبیعته لا وجوده.»

بل لو فرض عدم إطلاق فیها من هذه الجهة و كان مصیّبها النهی عن المنکر بعد اشتغال الفاعل به، لا شبهة فی إلغاء العرف خصوصيّة التحقّق بمناسبات الحكم و الموضوع. فهل ترى من نفسک أنّه لو أخذ أحد كأس الخمر لیشربها بمرئی و منظر من المسلم یجوز له التماسک عن النهی حتّى یشرب جرعة منها ثمّ وجب علیه النهی؟ و هل ترى عدم وجوب النهی عن المنکر فی الدفعیات و الوجودات الصرفة الدفعیة؟ و لعمری أنّ التشکیک فیهِ کالتشکیک فی الواضحات.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. اگر گفتیم که وجوب نهی از منکر شرعی است، می گوییم ادله نهی از منکر شامل دفع هم می شود.
۲. بلکه ممکن است بگوییم اساساً آنچه واجب است، دفع است و رفع هم لاجرم به دفع باز می گردد چراکه:
۳. نهی به یک امر موجود تعلق نمی گیرد بلکه به استمرار موجود تعلق می گیرد. پس مراد از رفع منکر یعنی جلوگیری از استمرار یعنی جلوگیری از تحقق و این یعنی دفع.
۴. پس مراد از منکری که باید از آن نهی کرد، طبیعت است و الا منکر موجود شده قابل نهی نیست.
۵. توجه شود که حتی اگر بگوییم مراد از رفع یعنی جایی که فرد مشغول مقدمات عمل شده است و نهی از منکر هم همین صورت را می گیرد و جایی که هنوز فرد مشغول مقدمات نشده را شامل نمی شود می گوییم:
۶. عرف الغاء خصوصیت کرده و به مناسبت حکم و موضوع، به وجوب دفع از منکر هم حکم می کند.
۷. مثال هایی در این باره موجود است.

ما می گوییم:

(۱) اینکه «اساساً آنچه واجب است، دفع است» در کلام مرحوم ایروانی نیز موجود است و مرحوم خوبی بر آن اشکال کرده است:

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۲۰۵



«قال المحقق الايرواني: (الرفع هنا ليس إلا الدفع فمن شرع بشرب الخمر فبالنسبة إلى جرعة شرب لا معنى للنهي عنه و بالنسبة الى ما لم يشرب كان النهي دفعا عنه). و فيه أن مرجع الرفع و إن كان الى الدفع بالتحليل و التدقيق إلا أن الاحكام الشرعية و موضوعاتها لا تبتنى على التدقيقات العقلية، و لا شبهة في صدق رفع المنكر في العرف و الشرع على منع العاصي عن إتمام المعصية التي ارتكبتها بخلاف الدفع.»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

سخن امام این نیست که رفع لغت بی معنایی است بلکه می گویند اگر وارد مقدمات شویم می گوئیم رفع، در حالیکه فی الواقع دفع ذی المقدمه است و اگر هنوز وارد مقدمات نشده ایم، می گوئیم دفع.

(۲) اینکه وجوب نهی از منکر و امر به معروف، عقلی است یا شرعی محل اختلاف بزرگان است.

---

۱. مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۱، ص: ۱۸۱